

■ سال بیست‌وششم ■ شمارهٔ ۷۳۰۸ ■ چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۹

<div><div><span></span><span><b>ایران</b></span></div><div>صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی</div><div>مدیرمسئول: مهدی شفیعی</div><div>سرمدیر: جواد دلیری</div></div>	<div>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیاکد: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روایه عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مستدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰</div> <div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۱۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</div> <div>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲</div> <div><b>www.iran-newspaper.com</b></div>
اذان ظهر ۱۳/۱۰   اذان مغرب ۱۹/۳۹   نیمه شب شرعی ۰۰/۲۹   اذان صبح فردا ۵/۳۶   طلوع آفتاب فردا ۷/۰۰	
<b>امام‌علی علیه‌السلام:</b>	
دو چیز از دروغ جدا نمی شود: بسیار وعده دادن و پشت عذرخواهی نمودن.	
<b>سخن روز</b>	
<b>شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰، ص ۲۸۷، ح ۲۸۲</b>	

احمد رضا احمدی در گفت‌وگو با «ایران»:

# دنیا باید لباسش را عوض کند

این روزها همه، درگیر و به‌فکر ویروس کرونا هستند و هرکس به نحوی و نوعی سعی می‌کند دیگری را از جدی بودن این ویروس که با جان آدمی سروکار دارد آشنا کند. هنرمندان و نویسنده‌ها هر کدام بنابر مسئولیت شخصی و اجتماعی خود کمر همت

بسته‌اند و با زبان و شیوه خود سعی می‌کنند مردم را در خانه نگه دارند تا این زنجیره انتقال قطع شود و سلامت دوباره به کشور برگردد. ۱۹۳۴ نفر در کشور تا ظهر دیروز بر اثر ابتلا به این ویروس متأسفانه جان خود را از دست داده‌اند و اگر این زنجیره قطع نشود و در خانه نمانیم شاید این رقم بسیار بیشتر از این‌ها شود. احمد رضا احمدی شاعر و نویسنده سرشناس ایرانی در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به وضعیت نگران کننده‌ای که در جامعه وجود دارد مردم را به خانه ماندن و کتاب خواندن دعوت می‌کند و می‌گوید: «وضعیت عجیبی پیش آمده و بیشتر شبیه به فیلم‌های آخرالزمانی است. این روزها ما فرصت از این‌ا بابت به‌نظر مغتنم می‌آید که مردم می‌توانند خانه بمانند و کارهای خوبی که کمتر فرصتش را داشتند انجام بدهند. فیلم ببینند و کتاب بخوانند تا روزهایشان به بطالت نرود.» احمدی می‌گوید: «به‌نظر من این ویروس در کنار تمام بدی‌هایی که دارد، یک خوبی دارد. از نظر من و شهود شاعران‌ام این ویروس انگار می‌خواهد به دنیا بگوید که باید لباس‌های کهنه و آلوده و زنده قدیمی را از تن درآورد. دنیا باید لباسش را عوض کند. شاید پیام این ویروس همین باشد و آن را می‌خواهد به بدترین شکل به جهانی که در آن زیست می‌کنیم نشان بدهد. بالاخره جهان باید یک روز عریان شود و اندیشه‌اش را نو کند.»

به ستایش تئاتر در روز ملی هنرهای نمایشی

**یک لشکر خاطره**

**مناسبت روز**



ارمان بهدادی‌روند نویسنده

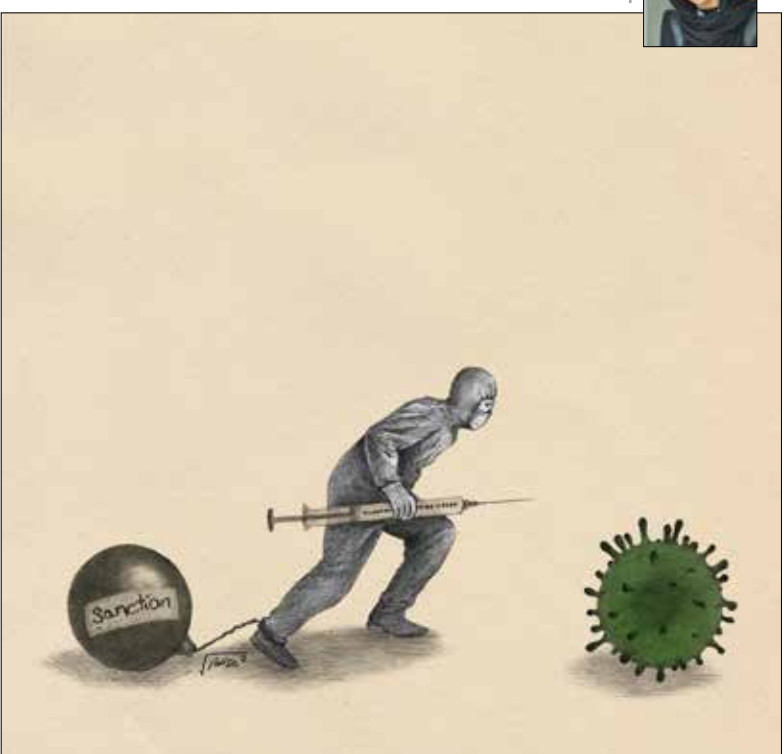
«دنیا خیلی کوچیکه! خیلی کوچیکه دنیا! بعضی آدماش، تا چشم بهم بزنی، عکسی اسیر قاب میشن و بعضی آدماش، دوباره شنیدشون آرزو میشه و بعضی آدماش انگار به هزار دلیل دلشون می‌خواد تنهایی خودشون رو به صحنه ببرند. دنیا به دایره است و این دایره از هر طرف که راه بیفته، شوق دیروز و دلتنگی امروز و تنهایی فردا رو با خودش می‌چرخونه و به من و تو یادآوری می‌کنه که هی فلاّنی! خیلی دنیا کوچیکه!... تو می‌فهمی چی تو دلت می‌گذره و در و دیوارهای تئاتر شهر که هر روز به آدمی از صحنه‌ش کسر میشه و به قایی به دیوارهاش اضافه میشه! خودتی و به لشکر خاطره که رپ رپ شم اسباباش، موسیقی دلتنگیت میشه. از اینجا به بعد می‌تونی چشم بچرخونی و «داود رشیدی» رو ببینی که تو رو به تماشای خط‌ها و دستخط‌ها و عکس‌ها تعارف می‌کنه و می‌خواد به چیزی بهت بگه و نمیشه! می‌تونی چشم بچرخونی و ببینی «جعفر والی» که با لیخندی معصوم، محو صحنه شده و می‌خواد بهت چیزی بگه و نمیشه! می‌تونی چشم بچرخونی و «حمید سمندریان» رو زیر نور موضعی تماشا کنی که بی شباهت به کوه نیست و می‌خواد بهت چیزی بگه و نمیشه! خیلی‌ها رو می‌تونی ببینی که می‌خوان چیزی بگن و نمیکن!...»

خیلی‌ها اما هستند که هر چقدر هم دنیای این روزا کوچیک‌تر بشه، قله‌ی اسم و رسمشون پنهون نمیشه! حتماً اگر مثلاً بنویسم «علی نصیریان»، «محمد علی کشاورز»، «مرضیه برومند» و چند نام و نشون دیگه، همیشه نایاستد و دست روی سینه نگذاشت. ایمان داریم که به بودن شماس‌ت اگر این روز، روز شده! اگر این روز، نوروز تئاتر شده! اگر این روز، صدای تئاتر بیشتر شنیده می‌شه و بیشتر اسم تئاتر زمزمه میشه! کم نشه سایه تون!

فردا هفتم فروردین است. روز ملی هنرهای نمایشی! نمی‌توان خوشحال نبود که این آرزویی بوده است و آرمانی و نمی‌توان دلتنگ نشد که خیلی از چشم‌هایی که این روز را انتظار می‌کشیدند، فرصت تماشایش را نداشتند. به این فکر می‌کنم که شاید تبریک شادمانه‌ای نشد این متن اما دلم می‌خواهد

**نگاره**

پریسا نور الهی



**بهاء‌الدین خرمشاهی: باید در خانه بمانیم**

رازماندگاری نوروز در این است که قدمت افسانه‌ای دارد، ما کتاب‌های زیادی در مورد نوروز داریم. هرچند که نوروز امسال شرایط به گونه‌ای است که باید در خانه بمانیم. من که در همین فروردین، هفتاد و پنج‌ساله می‌شوم، تقریباً شصت و پنج‌سال از عمرم را در خانه گذرانده‌ام و خیلی از کارهای به اصطلاح برون‌کاری را در خانه انجام دادم.

بخشی از گفته‌های این حافظ پژوه در ایبنا

غلامرضا امامی از جانی روداری و آثار او می‌گوید

**جهانی بی جنگ و دنیایی بی غم**

یکی از توصیه‌های اغلب اهالی فرهنگ برای این روزهای خانه نشینی اجباری، مطالعه کتاب‌هایی است که تا به امروز نخوانده‌ایم. غلامرضا امامی که چندی است ترجمه‌ای از کتاب «یکی بود که خودش نبود»، نوشته جانی روداری را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده مطالعه آثار این نویسنده ایتالیایی را پیشنهاد خوبی می‌داند؛ بویژه که تأکید دارد روداری از چنان جایگاهی در عرصه جهانی برخوردار است که از او به‌عنوان اندرسن ایتالیایاد می‌کنند. نکات بیشتر درباره روداری و این نوشته‌اش را به بهانه فرارسیدن یکصدمین زادروز او می‌خوانیم.

آتهایی که جانی روداری را می‌شناسند می‌دانند که به اندرسن زمانه شهرت دارد؛ نویسنده مطرح ایتالیایی که اغلب نوشته‌های او برای گروه سنی نوجوان است، او تنها نویسنده ایتالیایی است که موفق به دریافت جایزه جهانی اندرسن شده. اما نکته جالب توجه اینکه امسال یکصدمین زادروز جانی روداری است؛ بگذارید قدری هم از ویژگی‌های خاص نوشته‌های او بگویم. داستان‌های روداری اغلب آمیزه‌ای از رویا، واقعیت، امید، طنز، تلاش برای کشف

حقیقت و حتی اندیشه به شمار می‌آیند. شاید بگویید در شرایط فعلی که نگرانی از بیم ابتلا به این بیماری ناشناخته ما را وادار به خانه نشینی کرده‌ا اینقدر به مطالعه کتاب تشویق می‌کنند؟ پاسخ آن در جادوی قصه‌ها نهفته است؛ قصه‌ها قادرند کلیدهایی برای دستیابی به حقیقت با بهره گرفتن از راهکارهای جدید ارائه دهند. در این بین بخشی از

به انگیزه تولد ناصر مسعودی خواننده موسیقی فولکلور گیلان

**مروارید بحر خزر**

**پنجم فروردین ماه روز نادر ناصر مسعودی خواننده شهیر موسیقی فولکلور گیلان است، هنرمند بزرگی که بلبل گیلان تخلص اوست و حالا ۸۴ ساله شده است. آشنایی با موسیقی و آغاز فعالیتش در این عرصه به سال ۱۳۲۸ برمی‌گردد و در این ۷۰ سال زندگی هنری‌اش تلاش کرده‌هنر خود را آنگونه که خود عاشقانه آموخت و دنبال کرد به مردم سرزمینش ارائه کند. به گفته خودش سابقه کاری‌اش به تاریخ پیوسته و تابه‌امروز چه در موسیقی گیلکی که زادگاهش بوده و هست و چه در کار ترانه و قطعات فارسی هرچه در توان داشته عرضه کرده است ترانه‌های معروف «گل پامچال» و «میرزا کوچک خان» یا همان «جنگل» از آثار ماندگار اوست که هنوز هم از ترانه‌هایی هستند که مردم زمزمه‌شان می‌کنند.**

آشنایی من با دوست و یار قدیمی‌ام ناصر مسعودی به ۶۰ سال گذشته برمی‌گردد؛ البته جدا از این دوستی و رفاقت، از طرف مادری نسبت سببی هم با ایشان دارم، هنرمند خوش آوازی که او را «مروارید بحر خزر» یا «بلبل گیلان» نامیده‌اند و الحق و والانصاف که این نام برازنده اوست. ناصر مسعودی احیا کننده فرهنگ آوازی گیلان بود و در واقع باید گفت سبک آواز خوانی او نقطه عطفی در موسیقی

**جزیره تنهایی**

چند سال پیش زمانی که داشتیم گفت‌وگویی با دوستان نویسنده طرح پازل رمان نوجوان کانون را انجام می‌دادیم یکی از سؤال‌ها این بود که اگر مجبور باشید مدتی زیاد در جزیره‌ای تنها بمانید با خودتان چی همراه می‌برید. تقریباً اکثریت جواب داده بودند کتاب. منم همین جواب را دادم. برای من از همان دوران نوجوانی تصور بودن درجایی که فقط کتاب اطرافت باشد جذابیتهی خاص داشت. هرچند می‌دانم در عمل ممکن است وحشتناک هم باشد. شاید این حس از زمانی در

من پیدا شد که رابینسون کروزوئه را خواندم. اولین بار این اثر را سال ۵۷ در روستایی دور افتاده بین بم و جیرفت به اسم دهبکری خواندم. آن سال به خاطر انقلاب و تعطیلی مدارس رفته بودم به این روستا که محل کار پدرم بود. این روستا مکان بیلاقی بود اما آن موقع سال سوت‌و‌کور بود با یک عالمه باغ‌های پر برگ و بار. آنجا من بودم و برادرهایم و کتاب‌های کمی که داشتیم وقتی هم کتاب‌ها تمام شد شروع کردم به نوشتن داستان برای بقیه. وقتی سال ۵۸ با باز شدن مدارس به کرمان برگشتم برای برنامه رادیو کودک کرمان نمایشنامه نوشتم. الان هم یک جورایی به آن جزیره تنهایی خود برگشته‌ام و شده‌ام رابینسون کروزوئه

**واکنش وزیر ارشاد**

**به نامه پربازتاب هنرمندان ایران به هنرمندان جهان**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در واکنش به نامه جمعی از هنرمندان ایرانی به هنرمندان جهان، در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: هنرمندان ایران در کنار مدافعان سلامت می‌ماند.

در متن توئیت سیدعباس صالحی آمده است: «نامه جمعی از هنرمندان ایرانی به هنرمندان جهان، پژواک گسترده‌ای در غرب داشته و دارد. در بخشی از نامه می‌خوانیم: مردم ایران امروز با دو بحران مواجهند: بحران مشتریکی به نام کرونا که می‌شناسید و بحران تحریم که کاش هرگز نشناسید.



اهمیت قصه‌های روداری را شاید بتوان در روزگاری جست‌وجو کرد که به او گذشته است. سا‌های نوجوانی و جوانی این نویسنده ایتالیایی در زمانه‌ای سپری شده که هنگامه جنگ جهانی دوم به شمار می‌آمده است. او هرگز قدم به صحنه جنگ نگذاشت اما این شعله جنگ، دو نفر از دوستان نزدیکش را از او گرفت، از سونی برادرش هم به اردوگاه نازی‌ها فرستاده شد و از همین بابت است که نفرت او از جنگ و تشویق او به صلح در جای‌جای نوشته‌ها و حتی اشعارش دیده می‌شود. او در سخت‌ترین شرایط زندگی همواره به صلح می‌اندیشید و در حد توان روحیه امیدواری را به مخاطبانش تزریق می‌کرد. یکی دیگر از نکاتی که منجر به تشبیه او به اندرسن شده دوری‌اش از خشونت به هر شکل و شمایل ممکن بود. روداری دلبسته آزادی و مهم‌تر از آن آگاهی بود. او در پی جهانی بی‌جنگ و دنیایی بی‌غم بود، آنچنان که «ایتالو کالوینو» از دیگر نویسندگان مطرح ایتالیایی در وصف او گفته: «جانی روداری چنان قدرتی در به‌کار بردن ابزار بیان و بهره‌گیری از آن برای آموزش در رابطه با تصور و خیال دارد که هیچ نویسنده دیگری به پای او نمی‌رسد.» کتاب یکی بود که خودش نبود» یکی از کتاب‌های این نویسنده است. با در نظر داشتن ملزوماتی چون خرید رایت از ناشر اصلی آن در ایران به همت نشر هوپا منتشر شده است. بد نیست که چند سطری هم از داستان این کتاب بگویم. «یکی بود که خودش نبود» داستان زندگی پیرمردی ۹۳ ساله ثروتمندی است که با انواعی از بیماری‌های کشنده دست و پنجه نرم می‌کند. او با وجود آنکه در آستانه مرگ است اما در پی جاودانگی می‌گردد و شگفت انگیز اینکه به یکباره سلامتی‌اش را بازیابد؛ اگر می‌خواهید از راز او با خبر شوید این داستان که حتی فراتر از نوجوانان، بزرگسالان هم می‌توانند مخاطبش باشند را بخوانید.

فولکلور گیلان است. البته پیش از او هم هنرمندان دیگری در این خطه سبز به هنر آواز خوانی می‌پرداختند و هر کدام سبک و شیوه خاص خود را داشتند که در نوع خود بی‌نظیر بود اما ناصر مسعودی با عشق و علاقه‌ای که به فرهنگ و هنر سرزمین خود داشت به هنر موسیقی آوازی گیلان جبهه مردمی بخشید، به گونه‌ای که همه پسند باشد و مورد اقبال عموم قرار بگیرد ناگفته نماند ناصر مسعودی موسیقی آذری را هم به زیبایی می‌خواند و هنرمند بسیار با استعدادی است. دوران بسیار خوبی از این دوست و همکاری به جا مانده است، بویژه سال‌های بعد از انقلاب که درها بسته بود و دل‌ها گرفته و فعالیت‌های موسیقی راکد شده بود و فرصت‌هایی بوجود آمد تا بیشتر همدیگر رو ببینیم و تمرینات موسیقایی خود را داشته باشیم.

آن دوران و روزگار را هرگز فراموش نمی‌کنم و طی این سال‌ها دوستی و آشنایی خاطرات بسیاری از این هنرمند بزرگ به یاد دارم بویژه کنسرت‌های مختلفی که در داخل و خارج از ایران برگزار کردیم. حدوداً ۳۰ سال گذشته برای اجرای کنسرت سرفی به فرانسه داشتیم که در این برنامه آقای علی تاشب کمترین معروف و گوینده رادیو هم همراه ما بود و سرپرستی این گروه را برعهده داشت سفری بسیار خاطره انگیز و به یاد ماندنی و کنسرتی که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و روزگاری که در دل‌های ما ماندگار شد.

به همراه کوهی از کتاب. اصلاً الآن خیلی‌ها در جزیره خودشان هستند اما الان یک قرق با آن روزها دارد. این که باوجود قرنطینه شدن در خانه ارتباط‌ها با بقیه قطع نشده است. همه می‌توانند از طریق اینترنت کتاب‌هایی را که می‌خوانند با دیگران به اشتراک بگذارند. می‌توانند تکه‌های زیبا که امیدآفرین است از طریق شبکه‌های اجتماعی به دیگران هدیه بدهند. می‌توانند برای کودکانی که تشنه خواندن هستند و خیلی هم حوصله‌شان سر رفته کتاب معرفی کنند، حتی می‌توانند به دیگران توصیه کنند برای این که زیاد بی‌تحرك نباشند در محیط کوچک خود چه بازی‌هایی انجام بدهند. مخصوصاً با کودکان خود. خلاصه این‌که با بودن کتاب و رسانه‌های جمعی هزار و یک کار می‌توانند بکنند تا هم خودشان از انزوای بیرون بیایند و هم دیگران را فراموش نکنند. اصلاً این زمان می‌تواند فرصت خوبی باشد که خیلی‌ها یاد بگیرند می‌توانند از طریق اینترنت خیلی از کارهایشان را انجام بدهند. تا مجبور نباشند وقت و زمانشان را در داخل شهر و ترافیک هدر بدهند، خیابان را شلوغ و هوا را آلوده کنند، این روزها تمرین خوبی است برای بودن در کنار هم درحالی‌که دورند و تجربه خوبی است برای دورکاری، این‌که می‌شود کارمندان را به کار گرفت بدون این‌که به محل کار خود بروند. ما می‌توانیم از این زمان بهترین بهره را ببریم به شرطی که همه باهم در یک چیز اتفاق نظر داشته باشیم. در خانه بمانیم تا جامعه سالم‌تر باشد.

...

**همیشه امیدواریم**

**آدم‌ها و عادات‌هایی**

**که دوست‌شون داریم**

**هیچ وقت تموم‌نش،**

**نمی‌فهمیم تنها چیزی**

**که اون رفتارها و آدم‌ها**

**روبی نقص‌نگه می‌داره**

**ترک ناگهانی اون‌هاست،**

**بدون هیچ جانشین‌یا**

**تغییری**

شیفتگی‌ها

خابیر مارپاس

مهسا ملک مرزبان

نشر چشمه

**شهروند**

**مجازی**

**یگانه خدایی**

**هشتک**

**##سیل**

امسال هم مانند نوروز سال گذشته با بارش شدید باران چند استان درگیر سیل شده‌اند. شاید شدت سیل مانند سال قبل نباشد اما بسیاری از روستائیان به خصوص در استان‌های جنوبی کشور با مشکل مواجه شده و زندگی‌شان را از دست داده‌اند. در میان اخبار ریز و درشت کرونا کاربرانی سعی می‌کنند با انتشار اخبار و عکس‌های این سیل نگذارند مشکلات مردم این استان‌ها فراموش شود: «دوستان گرامی، هم‌میهنان عزیزم. مردم جنوب استان‌های فارس و کرمان و همچنین مردم استان‌های هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان، دو روز است درگیر سیل هستند. اندکی از آنها بنویسیم، نگذاریم در موج خبرهای ویروس کرونا، فراموش شوند.» «باران دو شب پیش خسارت زیادی آورده. تمام کوچه خیابان‌های چابهار تبدیل به رودخانه شده بودن. الان هم ۴۰ روستا در دشتیاری در محاصره سیل هستند.» «غم خودت، غم هموطنت از سیل و زلزله، لعنتی تمومی نداره.» «در این بحران کروانی، هوای سرد و بارانی این روزها، مبادا استان‌هایی را که علاوه بر این ویروس، درگیر سیل نیز شده‌اند فراموش کنیم.» «چندین شهر استان کرمان درگیر سیل بوده، راه ارتباطی روستاها قطع، روستائیان روستای خود را تخلیه یا به سقف منازل پناه برده‌اند.» «من مهندس نیستم ولی آیا نمی‌شد از تجربیات سیل سال قبل استفاده کرد و جلوی سیل امسال رو گرفت؟»، «سیل اومده زار و زندگی مردم تو جنوب برده، اخبار می‌گه به برکت سیل پشت سدها ذخیره آب خوبی جمع شده»، «به داد سیستان برسیم، ۴۰ روستای دشتیاری سیستان و بلوچستان در محاصره سیل. قریب به ۴۰ روستای این شهرستان در محاصره سیلاب است و پیش‌بینی می‌شود با افزایش حجم آب و سرریز شدن سد زیردان، آب به داخل منازل روستائیان وارد شود. بارندگی‌ای که از دیروز آغاز شده، موجب خساراتی در حوزه راه و برق شده.» «سیل کنار محرومیت دائمی و نبود امکانات بهداشتی حتی بدون به همچنین ویروسی هم پارسال همه جا و همه چیزو نابود کرد حالا فکر کردن به اتفاقی که ممکنه بیوفته ترسناکه کاش می‌شد کاری کرد»، «در این جریان سیل دوچیز بیشترمایه تأسف و تأثره. اول اینکه تبدیل به یک روتین شده زندگی خود را از دست می‌دهند دوم اینکه این آب شیرین کشوره که همینطور هرز می‌ره و به‌جای انبار و استفاده از آن وارد دریا می‌شه یعنی سرمایه کشور خارج می‌شه.» «همین‌چور که ما تو خونه نشستیم و یه عده از تو جاده‌ها واسمون هشتک در خانه بمانیم می‌زنن، خونه و زندگی به عده دیگه رو وسیل برده و خونه‌ای ندارن که توش بمونن».

**روز اول کار**

اینکه تعطیلات برای بسیاری از کارمندان و کارگران به پایان رسیده و راهی محل کار شده‌اند موضوعی است

که در شبکه‌های اجتماعی زیاد به آن پرداخته‌اند. البته بیشتر به دلیل شیوع بیماری کرونا و اینکه این روال می‌تواند به آلودگی تعداد بیشتری از مردم منجر بشود. بسیاری از کاربران از اینکه تعطیلات تا ۱۵ فروردین ادامه پیدا نکرده انتقاد می‌کنند: «تا دقایقی دیگر بیش از ۲ میلیون کارمند به سرکار در ادارات دولتی می‌روند و در معرض آلودگی ویروس کرونا قرار می‌گیرند، همان‌ها ظهراً عصر به خانه بر می‌گردند و بین ۸-۳ میلیون نفر را در صورت آلوده بودن در معرض آلودگی قرار می‌دهند که می‌تواند منجر به زمین گیر شدن کشور و دولت شود.» «تعداد مسافران عید ۳۰ میلیون نفر بود درحالی‌که از امروز ۲۰ میلیون کارگر و کارمند سرکار می‌رن یعنی ۷ برابر مسافرت عید. هر نفر از ۲۰ میلیون نفر حداقل قادر به انتقال ویروس به ۱ نفر هست. باقرنطینه نکردن فاجعه‌ای عظیم ۷ برابر خطرناک‌تر از مسافرت در حال وقوع هست. آیا این هم تقصیر مردم هست؟»، «بیک سوایی من دارم؛ انقدر همه دارند غر می‌زنند از باز شدن ادارات همه کارها دولتنه؟ بعد مرخصی نمی‌شه گرفت؟ والا سالا‌های قبل ما می‌رفتم ادارات دولتی از ۱۰ نفر ۹ نفر مرخصی بودند! چی شد حالا مرخصی نمی‌گیرید؟»، «چند میلیون کارمند باید برن سرکار بعد همین بیچاره‌ها بعد اینکه با تعداد زیادی رباب رجوع ارتباط دارند میرن خونه. شما خودتون حساب کنید می‌شه چندین میلیون نفر. الان اینا نمی‌تونن عامل انتشار کرونا بشن؟ پس اون قرنطینه خانگی چی میشه؟ فقط عید دینی و سفر باعث انتشار می‌شه؟»، «وقتی کارمند بانک می‌شی، خودبه‌خود می‌ری تو حوزه دماوند و فیروزکوه، نه برف نه آلودگی هوا نه ویروس نه هیچ چیز دیگه‌ای تعطیلیت نمی‌کنه»، «از ۷ نفر همکار توی واحد خودمون فقط من اومدم سر کار. می‌تونستم نبام؟ نه، چون دولت زیرساخت دورکاری نداره! چون باید می‌اومدم و تمدید قراردادهای نیروگاه‌های تولید برق رومی‌زدم وگرنه احتمالاً در ماه‌های آینده هزاران کارمند و کارگوشون مشکل دریافت حقوق می‌خورن و شاید قطعی برق!»، «کسی که کارمند دولت و یک عمراز امنیت شغلی برخوردار است در چنین روزهایی باید پای کار مردم باشد. در اداره ما شیفت‌بندی شده، به نحوی که در اتاق‌ها بیش از یک نفر نباشد و باقی همکاران آن اتاق در روز دورکاری می‌کنند. محل کار ضدعفونی شده و در بدو ورود حرارت بدن کارکنان سنجش می‌شود.» «احتمالاً دولت فکر کرده اینایی که رفتن مسافرت جوج بزن همه کارمند بودن خواسته به جورایی از مسافرت برشون گردونه. گمونم سیزده بدر هم ادارات باز باشه یا نه؟ می‌کنند؟ ۱۴ روز خودمو قرنطینه کنم بعد برم توی جامعه‌ای که خودش چهارده روز قرنطینه نکرده؟».